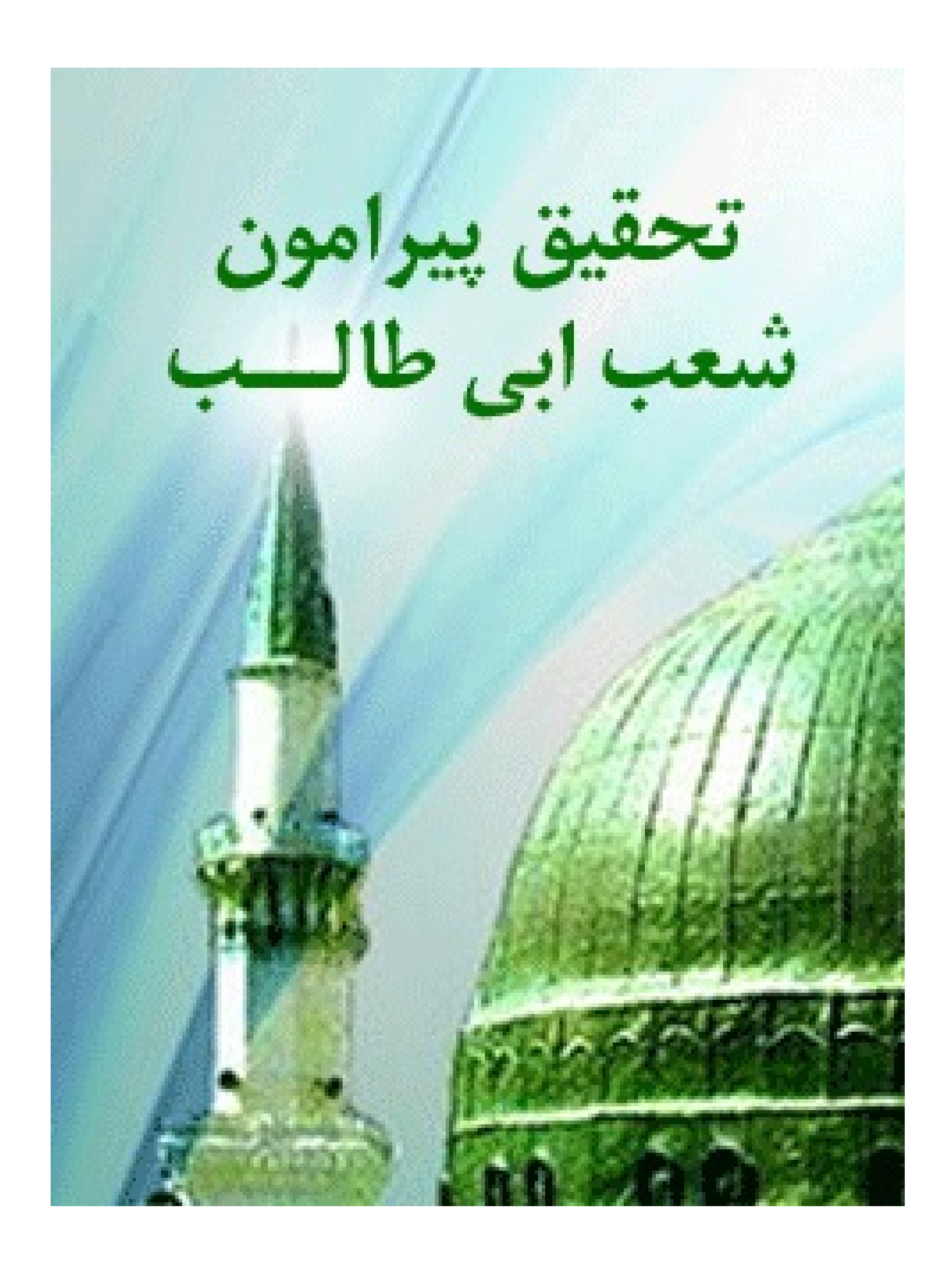

تحقیق پیرامون
شعب ابی طالـــب


بسم الله الرحمن الرحيم

تحقیقی پیرامون شعب ابی طالب

نویسنده:

مجله حوزه

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تحقیقی پیرامون شعب ابی طالب

مشخصات کتاب

نویسنده : مجله حوزه

ناشر : مجله حوزه

مقدمه

در ابتدای خیابان حجون، گورستانی وجود دارد که در گذشته آن را «مقبره معلاهٔ» می نامیدند و هم اکنون در میان اهل مکّه به «جنهٔ المعلاهٔ» [۱] و در بین ایرانیان به «قبرستان ابوطالب» معروف است.ازرقی (م ۲۵۰ هـ ق) در اخبار مکّه، پیشینه تاریخی آن را اینگونه بیان می کند:در حجون گردنه ایست که از محل نخلستان عوف و از کنار دو قناتی که بالای خانه معروف به «مال الله» است می گذرد و تا درّه سلاخ ها می رسد. در دامنه آن، در دره سلاخ ها به روزگار جاهلی گورستان قرار داشته و کثیر بن کثیر درباره آن گورستان چنین سروده است:کم بذاک الحَجون من حیّ صدق و کهول اعفهٔ و شباب«در این حجون چه بسیار دوستان راستین از جوانان و پیران پاکدامن در گور آرمیده اند». [۲] ابن عباس نقل می کند که پیامبر ـ ص ـ درباره این گورستان فرموده است: «این گورستان مردم مکه، چه نیکو گورستانی است». [۳] درّه ای که این گورستان در آن قرار دارد به نام «شِعْب اَبِی دُبّ» معروف است ازرقی از پدر بزرگش و او از زنجی نقل می کند که:مردم مکه در دوره جاهلی و آغاز اسلام، مردگان خود را در دره اَبِی دُبّ [۴] ـ که بخشی از حَجُون است تا دره صَفی ؛یعنی صَفّیُ السِباب و در دره ای که پیوسته به گردنه مدنیین است و امروز این بخش، گورستان مردم مکه است ـ دفن می کردند، پس منطقه گورستان بالاتر کشیده، و پیوسته به کوه و گردنه اَذاخِر و کنار محوطه خِرْمان شد. مکان امروز آن نیز در ابتدای شارع «حَجون» است.حجاج و زائران محترم بیت الله الحرام همه ساله پس از انجام اعمال عمره و یا حج، کنار این قبرستان آمده و مدفونین در آن، ازجمله حضرت خدیجه ـ علیهاسلام ـ ابوطالب و... را زیارت می کنند.از گذشته تاکنون این قبرستان به نام «شِعْبِ اَبی طالب» ـ همان مکانی که رسول خدا ـ ص ـ و ابی طالب و همراهانشان حدود سه سال توسط مشرکان محاصره و مورد تحریم اقتصادی قرار گرفتند ـ نیز به مردم معرفی شده که از لحاظ تاریخی نادرست بوده، و شِعْبِ ابی طالب در مکان دیگری نزدیک مسجدالحرام واقع شده است.آنچه را که در این سطور خواهید خواند دلائلی روشن و قطعی در اثبات این مدّعاست.

شعب در لغت

در لِسان العرب آمده است:«والشِّعْبُ» (بِالْکَسْرِ) ما انْفَرَجَ بَیْنَ جَبَلَیْن و قِیل: هُوَ الطّریقُ فِی الْجَبَلِ و الجَمْعُ «الشّعابْ». «شِعْب» (به کسر شین) شکاف بین دو کوه را گویند. به راه کوهستانی نیز گفته شده است. جمع آن «شِعاب» می باشد. [۵] جوهری (م ۳۹۳ هـ ق) در صحاح می نویسد:«والشِعْبُ» (بالکسر) الطَّریقُ فِی الْجَبَل وَ الْجَمْع «الشِعابُ».«شِعْب» (به کسر شین) راه در کوه را گویند، جمع آن نیز «شِعاب» است. [۶] فخرالدّینِ طُریحی (م ۱۰۸۵ هـ ق) در مجمع البحرین می نویسد:«شِعْب» (به کسر شین) راه در کوه را گویند جمع آن «شِعاب» مانند کِتاب است. [۷] در فرهنگ معین نیز آمده است:شِعْب: راهی در کوه باشد، دره. [۸] .

مکان شعب ابی طالب

شهر مکه در یک منطقه کوهستانی قرار گرفته، و در نتیجه درون دره ها که از سیل مصون بوده و بصورت یک حصار طبیعی خانه ها را در درون خویش جای می داده، محل زندگی قبائل مختلف بوده است. در نزدیکی مسجدالحرام سه شِعْبِ نزدیک به هم وجود دارد که اسامی آنها عبارت است از: ۱ ـ شِعْبِ ابی طالب ۲ ـ شِعْبِ بنی هاشم ۳ ـ شِعْبِ بنی عامر. اجداد و بستگان پیامبر ـ ص ـ معمولاً در این سه شِعْبِ زندگی می کرده اند. [۹] .مرحوم طریحی پس از آنکه شِعْبِ را معنی می کند، می نویسد:وشِعْب ابی طالب بمکّهٔ مکان مولد النبی ّ ـ ص ـ و شِعْبُ الدُبّ ایضا بِمَکّهٔ و اَنْتَ خارِجٌ إلی مِنی.شِعْبِ ابی طالب در مکّه، زادگاه نبی اکرم ـ ص ـ است و شِعْب دُبّ نیز در مکّه در مسیر مِنی قرار دارد. [۱۰] .در مُعْجَم البُلدان ذیل «شِعْبِ اَبی یُوسُف» آمده است: آن همان درّه ایست که پیامبر ـ ص ـ و بنی هاشم، هنگامی که قریش بر جنگ آنان هم قسم شده و نامه نوشتند، بدان پناه بردند. این درّه از آنِ عبدالمطّلب بود، هنگامی که چشمانش کم سو شد آن را میان فرزندانش تقسیم کرد، پیامبر ـ ص ـ نیز سهم پدرش عبدالله را گرفت و آن محل خانه های بنی هاشم بود. ابوطالب گفته است:جَزی َ الله عنّا عَبْد شَمْس و نَوْفلاًوتَیْماً و مَخْزُوماً عقوقاً و مأثماًبتَفریقهِم من بَعدوُدٍّ و اُلفَهٔجماعتنا کیما یَنالُوا المَحارِماکَذَبتم وبیت الله نُبْزِی مُحَمدّاولمّا تَرَوْایوماًلَدَی الشِعْب قائِماً [۱۱] .مرحوم علامّه مجلسی ـ ره ـ می نویسد:«شِعْبِ ؛»شکاف بین دو کوه است و شِعْبِ اَبی طالِب در مکه معروف و شناخته شده است و آن همان مکانی است که رسول خدا ـ ص ـ و ابوطالب و دیگر بنی هاشم پس از آنکه قریش آنها را از بین خود راندند، در آنجا بودند...آن گاه خانه ای محمدبن یوسف را نیز همان خانه می داند که رسول خدا ـ ص ـ آن را به عقیل بخشید سپس محمد بن یوسف آن را از فرزندان عقیل خریداری نمود و به خانه محمدبن یوسف شهرت یافت او در پایان می نویسد: این مکان با همین خصوصیات اینک نیز در مکه موجود است، و مردم آنجا را زیارت می کنند. [۱۲] .

خانه ای که پیامبر در آن به دنیا آمد

شناخت محل تولدِ پیامبر ـ ص ـ و نیز مکان سکونت بنی هاشم در مکّه می تواند در شناسایی شِعْبِ اَبی طالب مفید باشد:اَزْرَقی می نویسد:مَوْلِد، یعنی خانه ای که پیامبر ـ ص ـ در آن متولد شده اند و اکنون در خانه محمّدبن یوسف برادر حجّاج بن یوسف قرار دارد. هنگامی که پیامبر ـ ص ـ هجرت فرمود این خانه را عقیل پسر ابوطالب تصرف کرد و در همین باره و موارد دیگر است که پیامبر ـ ص ـ در حجهٔ الوداع هنگامی که به ایشان گفته شد کجا فرود می آیید؟ فرمودند مگر عقیل برای ما سایبانی باقی گذاشته است؟ این خانه همچنان در تصرف عقیل و فرزندان او بود تا آنکه فرزندان عقیل آن را به محمد بن یوسف ثقفی فروختند و او آن را ضمیمه خانه خود ـ که به خانه سپید معروف است ـ کرد، و این خانه همچنان ضمیمه آن بود تا آنکه خیزران [۱۳] ـ مادر موسی و هارون خلیفگان عباسی ـ حج گزارد و آن را از آن خانه جدا کرد و مسجدی در آن ساخت که در آن نماز می گزارند و برای آن در کوچه ای که کنار آن است و به کوچه «مَوْلد» معروف است در بازکرد. این درّه امروز به شعب بنی هاشم و شعب علی ـ ع ـ معروف است [۱۴] و به بازاری که به آن سوق اللیل می گویند می رسد. [۱۵] .سپس ابوالولید می گوید: از پدربزرگم و یوسف بن محمد شنیدم که موضوع جایگاه ولادت پیامبر ـ ص ـ را ثابت و درست می دانند و می گویند همین جاست و میان مردم مکه در این باره هیچگونه اختلافی نیست.فاکهی (م ۲۷۲، ۲۷۹ هـ ق) می نویسد: خانه ابن یوسف، و دره ابن یوسف از آن ابی طالب بوده، و رسول خدا ـ ص ـ در قسمتی از همین خانه متولد گردید و این همان دره ایست که قریش بنی هاشم را در حالی که پیامبر ـ ص ـ با آنها بود، محاصره نمودند. [۱۶] .عبدالله بن عباس نیز در همین درّه متولد شده است. [۱۷] .محقق کتاب اخبار مکه می گوید: این دره امروز، به دره علی «شِعْبِ اَبی طالِب» شناخته می شود. [۱۸] .فاکهی پیشینه تاریخی خانه اَبی یُوسف را اینگونه بیان می کند:برخی از مردم گفته اند: خانه ابن یوسف از آن عبدالمطّلب بوده است، آنگاه حجّاج برادرش محمّد بن یوسف را مأمور ساخت و او آن را به صدهزار درهم خرید. سپس حجّاج آن خانه را به برادرش بخشید و از او خواست آن را بسازد. وکلای محمدبن

یوسف نیز آن را ساختند. [۱۹] .باز فاکهی می گوید: پیامبر ـ ص ـ سهم خود از این خانه را به عقیل بن ابیطالب بخشید. [۲۰] مرحوم کلینی (م ۳۲۹ هـ ق) ـ قدّس سرّه ـ می نویسد:مادر رسول اکرم ـ ص ـ در منزل عبدالله بن عبدالمطّلب که نزدیک جمره وسطی بود وَ وَلَدَتَه فیشِعْبِ اَبی طالِب فی دارِ مُحَمّدِ بنیُوسُف... و در شِعْبِ ابی طالب در خانه محمّد بن یوسف (وقتی داخل خانه شدی در گوشه آن خانه سمت چپ) آنحضرت را به دنیا آورد. آنگاه خیزران آن را به مسجد تبدیل کرد که مردم در آن نماز می گزاردند... [۲۱] .آمنه بنت وهب مادر گرامی پیامبر ـ ص ـ در شب جمعه از ماه رجب۲۱ در شِعْبِ، رسول خدا ـ ص ـ را حامله شد.باتوجه به صراحتی که ایشان در رابطه با شِعْبِ دارند می توان فهمید جمله: وماتت خدیجه ـ علیها السلام ـ حین خرج رسول الله ـ ص ـ من الشِّعْب... [۲۲] بدین معناست که حضرت خدیجه ـ س ـ پس از رفع محاصره، و آزادی رسول خدا ـ ص ـ وفات یافت.سید محسن امین ـ رحمهٔ الله علیه ـ در اعیان الشیعه می نویسد:رسول خدا ـ ص ـ در خانه ای که به دار ابی یوسف معروف است متولّد گردید ـ و او محمدبن یوسف برادر حجاج است ـ این خانه از آن رسول خدا ـ ص ـ بود که آن حضرت آن را به عقیل فرزند ابوطالب بخشید. و زمانی که عقیل وفات یافت محمد بن یوسف آن را از فرزندان عقیل خریداری نمود و آنگاه که خانه معروف به دار ابی یوسف ساخته می شد، خانه پیامبر ـ ص ـ را نیز به خانه خود ضمیمه ساخت سپس خیزران مادر رشید آن را گرفت و از خانه ابویوسف جدا و آن رابه مسجدی تبدیل کرده که تا این زمان معروف بود، و مردم در آن نماز می خواندند و آنجا را زیارت نموده، بدان تبریک می جستند و زمانی که وهابیان بر مکه سلطه یافتند این مسجد را ویران نموده و از زیارت آن جلوگیری کردند و آنجا را محل نگهداری چهارپایان! قراردادند. [۲۳] محمدبن یوسف ثقفی والی حکومت یمن بود و به ستم و دشمنی با خاندان علی بن ابیطالب ـ ع ـ شهرت داشت وی در سال یکصد یا کمی قبل از آن در یمن وفات یافت. [۲۴] .تقی الدّین حسینی مکّی (م ۸۳۲ هـ ق) می نویسد:رسول خدا ـ ص ـ در مکه، در خانه محمد بن یوسف برادر حجاج ابن یوسف متولد شد. [۲۵] .خانه ای که نزدیک صفا است خانه خیزران است و خانه ابن یوسف در سوق اللیل و همان مکانی است که به مَوْلِد نبی اکرم معروف است. [۲۶] .در سیره حَلبیّه آمده است:محل ولادت رسول خدا ـ ص ـ مکّه، و در خانه ایست که به نام محمد بن یوسف ـ برادر حجاج ـ خوانده می شود...محمد بن یوسف آن را به قیمت یکصد هزار دینار از فرزندان عقیل خریداری نمود و به خانه خویش ملحق ساخت و نام آن را نیز (دار البیضاء) خانه سفید نهاد ؛زیرا که آن را از گچ ساخته و اطراف آن را نیز گچ کشیده بودند و در نتیجه تمامی ساختمان به رنگ سفید بود. و از آن پس، به خانه ابو یوسف شهرت یافت. [۲۷] .محل ولادت پیامبر ـ ص ـ را پس از مسجدالحرام برترین مکان دانسته اند. [۲۸] .برخی ولادت حضرت فاطمه زهرا ـ س ـ را نیز در همین مکان می دانند. [۲۹] در فتح مکه، رسول خدا ـ ص ـ در منطقه حجون خیمه زده و وارد شهر نشدند، به آن حضرت گفته شد به منزل خودتان در شِعْب نمی روید؟ حضرت فرمود: آیا عقیل برای ما منزلی باقی گذاشته است؟ [۳۰] .این نقل تاریخی بیانگر آنست که «شِعْبِ ابی طالب» در منطقه «حَجُون» نبوده، بلکه در نزدیکی «مسجدالحرام» و در کنار کوه صفا قرار داشته، و خیزران مادر هارون الرشید هنگامی که حج می گزارد آن را از خانه ابویوسف جدا نموده، مسجدی در آن مکان ساخت. بنای مسجد را به زبیده همسر هارون نیز نسبت داده اند که در صورت صحت، تعمیر و یا تجدید بنای مسجد بوده است. [۳۱] .البته در نقل دیگری آمده که خیزران خانه ارقم را خریده و در آن مسجدی بنا نمود [۳۲] و چون این خانه نیز در کنار صفا بوده، برخی آن را با خانه ابو یوسف اشتباه کرده اند.مسعودی (۳۴۵ هـ ق) می نویسد:تولّد او ـ علیه الصلوهٔ و السلام ـ هشتم ربیع الاول همان سال (یعنی سال عام الفیل) در مکه، در خانه ابن یوسف بود که بعدها خیزران مادر هادی و رشید آنجا مسجدی ساختند. [۳۳] .و در جای دیگر می گوید: بسال چهل و ششم، قریشیان پیغمبر ـ ص ـ را با بنی هاشم و بنی عبدالمطّلب در دره کوه محصور کردند. بسال پنجاهم او ـ علیه السلام ـ با کسان خود از دره بیرون آمد. [۳۴] .ابن اثیر (م ۶۳۰ هـ ق) به نقل از ابن اسحاق می نویسد:مکان ولادت رسول خدا خانه ایست که به خانه ابن یوسف مشهور است. آن حضرت آن را به عقیل بخشیده، و تا زمان فوت وی در اختیار او بود، سپس محمد بن یوسف برادر حجاج

آن را از فرزندان عقیل خریداری نمود و به خانه معروف به دار ابن یوسف ضمیمه ساخت، آنگاه خیزران آن خانه را از خانه ابویوسف جدا نموده، آنجا مسجدی ساخت که در آن نماز می گزارند. [۳۵] .طبری (م ۳۱۰ هـ ق) نیز مکان تولّد پیامبر ـ ص ـ را خانه ابو یوسف می داند. [۳۶] .فاسی (م ۸۳۲ هـ ق) می نویسد:ولادت رسول خدا ـ ص ـ در مکانی در سوق اللیل که نزد مردم مکه شهرت داشته قرار دارد. [۳۷] .محمد طاهر کردی مکی می گوید:ولادت رسول خدا ـ ص ـ در مکه در خانه ابی طالب در شِعْبِ بَنی هاشم بوده است. [۳۸] .ولادت نبی ـ ص ـ در مکه در خانه ابی طالب در شِعْبِ بنی هاشم نزدیک مسجدالحرام بوده که امروزه، شِعْبِ علی ;یعنی علی بن ابیطالب نامیده می شود و پیوسته محل ولادت آن حضرت تا به امروز معروف و شناخته شده است. [۳۹] .اکثر قریب به اتفاق مورّخین، مکان ولادت پیامبر ـ ص ـ را در شِعْبِ ابی طالب یا در خانه نزدیک صفا، و یا در خانه معروف به خانه اَبُویوسف ذکر کرده اند که هر سه، یک مکان است. [۴۰] .در کتاب سیرهٔ ساکن الحجاز آمده است:مکان ولادت پیامبر ـ ص ـ در شِعْبِ بَنی هاشم بوده است سپس توضیح می دهد که: شِعْبِ بنی هاشم نزد اهل مکه شناخته شده است و همه ساله مردم در آنجا اجتماع نموده، مجلس جشن بپا می کنند و بیش از آنچه تاکنون در اعیادشان مجالس جشن و شادی دارند، در آنجا مجلس شادی بپا می کنند. سپس در پاورقی کتاب از محبّ الدین طَبری مکی نقل کرده که می گوید: خانه پیامبر ـ ص ـ را در زمان هجرت آن حضرت ـ ص ـ به مدینه، عقیل مالک شده. و پیوسته در دست او و فرزندانش باقی ماند تا محمدبن یوسف برادر حجاج آن را خریده و در خانه خود که به «خانه سفید» نامیده می شد ملحق ساخت سپس به خانه ابن یوسف معروف گردید. این وضعیت ادامه یافت تا خیزران کنیز مهدی عباسی در آنجا مسجدی بنا نمود که در آن نماز می گزارند، و آن را از خانه ابن یوسف جدا کرده کوچه ای ایجاد کرد که به آن «زقاق المولد» گفته می شود و هم اکنون آنجا کتابخانه عمومی است. [۴۱] .محمد طاهر کردی مکّی می نویسد:ولادت پیامبر ـ ص ـ در مکه، در خانه ابی طالب، در شِعْبِ بنی هاشم و در نزدیکی مسجدالحرام بوده که امروزه به شِعْبِ علی یعنی علی بن ابیطالب نامیده می شود و پیوسته مکان ولادت آن حضرت ـ ص ـ تا امروز معروف و شناخته شده بوده است. [۴۲] .صلاحُ الدّین صَفَدی پس از بحث پیرامون مکان و لادت رسول خدا ـ ص ـ می نویسد: قول برتر آن است که رسول خدا ـ ص ـ در عام الفیل در خانه ای در کوچه معروف به زُقاقُ الْمَوْلِد که در دست عقیل ابن ابیطالب بوده متولد گردید. [۴۳] .گفته می شود که رسول خدا ـ ص ـ در شِعْبِ بَنی هاشم متولد شدند، برخی گفته اند در خانه ای نزدیک صفا و... [۴۴] .عاتق بن غیث بلادی می نویسد:از نظر تاریخی مسلم است که رسول خدا ـ ص ـ تقریباً در سال ۵۳ قبل از هجرت (عام الفیل) در شِعْبِ اَبی طالب که امروزه به شِعْبِ علی معروف است، به دنیا آمد و به خاطر ازدحام مردم و شوق آنان نسبت به تبرک جوئی از آن خانه، هم اینک به کتابخانه تبدیل شده است. [۴۵] .تا قبل از سلطه وهابیان بر حرمین شریفین، محل ولادت رسول خدا ـ ص ـ زیارتگاه مؤمنان و مسلمانانی بود که از گوشه و کنار جهان به مکه می آمدند. [۴۶] .محمد بن علوی مالکی مکّی می نویسد:مکان ولادت رسول خدا ـ ص ـ در سوق اللیل مکانی شناخته شده است و ساکنین مکه درباره آن اختلاف نظر ندارند، هریک از آنها از نسل قبل از خود شنیده و تردیدی در آن ندارند. [۴۷] .ابن ظهیره می گوید: مردم مکه در شب ولادت رسول خدا ـ ص ـ همراه با علما ودانشمندان و بزرگان شهر با روشن نمودن فانوس و شمع از خانه های خود خارج و برای زیارت و بزرگداشت ولادت آن حضرت در کنار این خانه اجتماع می کنند. [۴۸] .در کنار این خانه گودالی (حفره) بوده که روی آن را با چوب می پوشاندند و این علامت همان مکانی است که رسول الله ـ ص ـ در آنجا متولد شدند. [۴۹] .ساختمان آن را ناصر خلیفه عباسی در سال ۵۷۶ و ملک مظفر در سال ۶۶۶ و دیگران تعمیر نموده اند.در زمان ملک عبدالعزیز، شیخ عباس قطان (امین العاصمهٔ المقدسه) این خانه را تخریب و در همان مکان کتابخانه عمومی که به «کتابخانه مکه مکرمه» معروف شد، بنا کرد، افراد به آنجا مراجعه و به مطالعه کتب می پرداختند. [۵۰] .این ساختمان در سال های اخیر در طرح توسعه اطراف مسجدالحرام، در معرض تخریب قرار گرفته است. بناهای ساخته شده در محل ولادت نبی اکرم ـ ص ـ را در تصویر، ملاحظه نمائید.از مجموع آنچه گذشت می توان نتیجه گیری کرد که:۱ ـ پیامبر اکرم

ـ ص ـ در شِعْبِ ابی طالب متولد گردیده اند.۲ ـ شِعْبِ ابی طالب در مکّه مکانی نزدیک مسجدالحرام بوده و با مکانی که فعلاً در حجون به آن معروف است فاصله دارد.

محاصره پیامبر و یاران در شعب ابی طالب

محمدبن اسحاق (م ۱۵۳ هـ ق) و دیگر سیره نویسان گویند، چون قریش دیدند که اصحاب رسول خدا ـ ص ـ در سرزمین حبشه در کمال امنیت و آرامش قرار دارند و نجاشی هم ایشان را گرامی داشته و از آنها دفاع می کند و از سوی دیگر حمزهٔ بن عبدالمطلب، و عمر نیز مسلمان شده اند و اسلام در قبایل آشکار می گردد، جمع شدند و به چاره اندیشی پرداختند و تصمیم گرفتند پیمان نامه ای بنویسند و متعهد شوند که از بنی هاشم و بنی مطلب زن نگیرند و به آنها زن ندهند و نیز چیزی به آنها نفروشند و چیزی از آنها نخرند. پس از اینکه جمع شدند، پیمان نامه نوشتند و بر آن جمله موافقت کردند و سپس برای تأکید، پیمان نامه را از سقف کعبه آویختند. [۵۱] .مشرکان بنی هاشم را در اول ماه محرم سال هفتم بعثت تحریم کرده، اعلام داشتند هیچکس حق معامله، ازدواج و معاشرت با آنان را ندارد، نامه تنظیم شده در این زمینه را ـ که چهل نفر امضاء کرده بودند ـ شخصی به نام منصور بن عکرمه نوشت که با نفرین پیامبر ـ ص ـ دستش فلج شد. بدنبال آن تمامی بنی هاشم ـ مسلمان و کافر ـ جز ابی لهب، و ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب وارد شِعْبِ شده، آنجا اجتماع کردند. فرزندان مطلب بن عبد مناف که چهل نفر بودند از شِعْبِ حراست نموده، شب و روز به نگهبانی آن مشغول بودند و در طول سال جز موسم حج در ماه ذی الحجه، و عمره در ماه رجب از آنجا بیرون نمی آمدند. قریش از ورود خواروبار به شِعْبِ جلوگیری کرده، فقط مقدار کمی بصورت پنهانی به دست محاصره شدگان می رسید که کفافشان را نمی داد. در نتیجه وضعیت سخت شد ;به شکلی که مردم صدای گریه بچه ها را از بیرون شِعْبِ می شنیدند و این دوران سخت ترین لحظات زندگی پیامبر ـ ص ـ و اهل بیت بزرگوارش در مکه بود. [۵۲] .کازرونی در مُنْتَقی و غیر آن آورده است:...بدنبال نوشتن عهدنامه، مشرکان آزار فرزندان عبدالمطلب را آغاز نموده، اعلام کردند تنها راه سازش میان ما و شما کشتن پیامبر ـ ص ـ است، در هر کوی و برزنی مسلمانان را کتک می زدند و حق عبور از بازارها را از آنان گرفته، در شِعْبِ اَبی طالب محصورشان نمودند. فرستاده ولیدبن مُغَیْره در میان قریش فریاد می زد: هر مردی از اینها را برای خرید جنسی یافتید بر قیمت آن بیافزایید. در چنین شرایطی ابوطالب فرزند برادرش (پیامبر ـ ص ـ) و فرزندان برادر و پیروان آنها را در شِعْبِ ابی طالب گردآورد.آنان سه سال در شِعْبِ ماندند، سرانجام وضعیّت بحدّی برآنان سخت شد که صدای فرزندانشان، که از شدت گرسنگی می گریستند، از بیرون شِعْبِ شنیده می شد... [۵۳] .زمانی که ابوطالب احساس کرد مشرکان قریش برای کشتن رسول خدا ـ ص ـ متحد شده اند، فرزندان عبدالمطلب را جمع نموده، دستور داد تا رسول خدا را درون شِعْبِ خود جای دهند، او حفاظت کنند... پس بنی هاشم سه سال در شِعْبِ خویش ماندند...شب هنگام که همه به خواب می رفتند ابوطالب رسول خدا ـ ص ـ را از بستر بیرون برده، یکی از فرزندان یا برادران و یا پسرعموهای خود را به جای آن حضرت می خوابانید تا پیامبر از توطئه احتمالی دشمن جان سالم بدر برد. [۵۴] .پس بنی هاشم به شِعْبِ ابی طالب که امروزه به شِعْبِ علی معروف است پناه آوردند، بنوالمطلب نیز جز ابولهب به آنان پیوستند، شرایط در شِعْبِ به اندازه ای سخت شد که محاصره شدگان از برگ درختان استفاده می کردند... [۵۵] .خدیجه اموال فراوانی داشت که همه را در شِعْبِ به نفع رسول خدا ـ ص ـ خرج نمود. بنی هاشم، تنها در موسم، از شِعْبِ خارج شده، خرید و فروش می کردند. گاهی نیز مردم مکّه از سوی قریش تهدید می شدند که: اگر کسی در مکه چیزی به بنی هاشم بفروشد اموالش غارت می شود. [۵۶] .ابن سعد (م ۲۳۰ هـ ق) می نویسد: شب اول محرم سال هفتم بعثت، بنی هاشم در شِعْبِ ابیطالب محاصره شدند و همگی ـ به جز ابولهب ـ به شِعْبِ ابیطالب درآمدند... [۵۷] .تعدادی از محاصره شدگان از گرسنگی جان باختند. [۵۸] گاهی نیز علی بن ابی طالب ـ ع ـ مخفیانه از شِعْبِ خارج شده، غذا و امکانات تهیه و آن را با خود به درون شِعْبِ می آورد. [۵۹]

.مردان همراه پیامبر ـ ص ـ در شِ‌عْبِ، حدود ۴۰ نفر بودند. [۶۰] . که به شکل سازماندهی شده خصوصاً در تاریکی شب از آن حضرت حراست می کردند. [۶۱] .حضرت خدیجه ـ علیهاسلام ـ نیز که اموال فراوانی داشت، همه را برای مسلمانان محاصره شده در شِعْبِ خرج و مصرف نمود. [۶۲] .یعنی در موسم حج ـ در ذی الحجّه ـ و عمره ـ در رجب ـ که رسول خدا ـ ص ـ و یارانشان می توانستند از شِ‌عْبِ خارج شوند، مقداری آذوقه و مواد خوراکی تهیه نموده، و سپس در دوران محاصره از آن استفاده می کردند. [۶۳] .گاهی از اوقات نیز ابوالعاص بن ربیع شتری که بار گندم و خرما داشت تا دهانه شِ‌عْبِ آورده، سپس آن را به داخل درّه هدایت می کرد تا بنی هاشم از آن استفاده نموده و تا حدودی از گرسنگی رهایی یابند. [۶۴] .نام حکیم بن حِزام نیز در شمار کسانی که آذوقه به شِ‌عْبِ می فرستادند ذکر گردیده است، لیکن در صورت صحّت، از آنجاکه وی از محتکران زمان پیامبر ـ ص ـ بوده و از کسانی است که رسول خدا ـ ص ـ هدیه وی را نپذیرفته اند، شاید بتوان گفت انگیزه او منافع مادی بوده است. [۶۵] .یعقوبی (م ۲۹۳ هـ ق) در این زمینه می نویسد: قریش، شش سال پس از بعثت، رسول خدا را با خاندانش از بنی هاشم و بنی مطلب بن عبد مناف در دره ای که به آن «شِ‌عْبِ بن هاشم» گفته می شد محصور ساختند و رسول اکرم با همه بنی هاشم و بنی مطلب سه سال در شِعْبِ ماندند تا آنکه رسول خدا و نیز ابوطالب و خدیجه تمام دارایی خود را از دست دادند و به سختی و ناداری گرفتار آمدند. سپس جبرئیل بر رسول خدا فرود آمد و گفت: خدا موریانه را بر صحیفه قریش فرستاده تا هر چه بی مهری و ستمگری در آن بود بجز جاهایی را که نام خدا بر آن نوشته شده، خورده است. [۶۶] .وضعیت غم انگیز رسول خدا ـ ص ـ و همراهانشان در شِعْبِ، افرادی چون هشام بن عمرو را تحت تأثیر قرار داده و آنها را برای شکستن حلقه محاصره به حرکت واداشت، وی به همراه زهیر بن ابی امیه، و مطعم بن عدی، و ابوالبختری، و زمعهٔ بن اسود بن مطلب، شبانگاهان در دهانه دره حجون که از مناطق بالای مکه است قرار گذاشته، آنجا جمع شدند و پیمان بستند تا در مورد لغو پیمان نامه اقدام کنند. [۶۷] .دهانه درّه حَجُون همان جائی است که قبرستان ابوطالب قرار دارد و اگر شِ‌عْبِ در اینجا قرار داشته و پیامبر ـ ص ـ و یارانشان نیز در این مکان تحت محاصره بوده اند معنی نداشت افرادی که از آنان یاد شد، مخفیگاه خود را آنجا قرار داده، و جایی اجتماع کنند که هر لحظه خطر در کمین آنها باشد. استفاده مخفیگاه از این مکان نشانگر آن است که حجون خارج و یا حداقل کنار مکه بوده است.پاره ای از روایات نیز با صراحت، حجون را خارج مکّه آن روز دانسته است و بر این اساس نمی توان گفت پیامبر ـ ص ـ و یاران و خویشاوندانشان همگی از مکّه خارج و در بیرون شهر اقامت گزیده اند!!.عبید بن زرارهٔ از امام صادق ـ ع ـ نقل می کند که فرمود: هنگامی که ابوطالب وفات یافت جبرائیل بر رسول خدا ـ ص ـ نازل شده و گفت: «یا مُحمّد اُخْرُجْ مِنْ مَکّه... ای محمد از مکه خارج شو!» که در این شهر یاوری برای تو نیست. قریش نیز بر رسول خدا ـ ص ـ هجوم آوردند آن حضرت نیز ترسان بیرون شد تا به کوهی در مکه که به آن حَجون می گفتند رسید و آنجا ایستاد. [۶۸] .ابوطالب خبر خورده شدن صحیفه را به مشرکان اطّلاع داد و همراه آنان به کنار کعبه آمد و پس از گشودن آن، صحّت سخن رسول خدا ـ ص ـ بر همگان پدیدار گشت. وجدان برخی انسانها بیدار شد و آنگاه که ابوطالب و همراهان به شِ‌عْبِ بازگشتند گروهی از رجال قریش سران خود را در مورد رفتارشان با بنی هاشم سرزنش کردند و گروهی از آنان، از جمله مطعم بن عدی و عدی بن قیس و زمعهٔ بن ابی الاسود و ابوالبختری بن هشام و زهیر بن ابی امیه، سلاح پوشیده نزد بنی هاشم و بنی مطلب رفتند و از آنان خواستند که از درّه بیرون آیند و به خانه های خود بروند و آنان چنین کردند. بیرون آمدن ایشان از دره در سال دهم بعثت بود. [۶۹] .موسی بن عقبه می گوید: چون خداوند متعال پیمان نامه سراپا مکر ایشان را نابود فرمود پیامبر و خویشاوندش از شِ‌عْبِ بیرون آمدند و با مردم معاشرت کرده و میان ایشان زندگی نمودند. [۷۰] .قصیده معروف شِ‌عبیه (لامیه) را نیز ابی طالب در شِ‌عْبِ ابی طالب سروده است و این همان شعبی است که فرزندان مطلب و هاشم همراه با رسول خدا ـ ص ـ به آن پناه بردند. [۷۱] .اسامی برخی از بنی هاشم که همراه پیامبر ـ ص ـ در شِ‌عْبِ محاصره شدند از این قرار است:۱ ـ ابوطالب بن عبدالمطّلب.۲ ـ علی بن ابیطالب ـ ع ـ ۳ ـ حمزهٔ بن عبدالمطلب.۴ ـ عبیدهٔ بن الحارث

بن المطلب بن عبد مناف.عبیده گرچه از بنی هاشم نبود لیکن به لحاظ آنکه بنی المطلب و بنی هاشم با یکدیگر متحد بوده و نه در دوران جاهلیت و نه در اسلام از هم جدا نبودند لذا می توان او را نیز در شمار بنی هاشم بحساب آورد.۵ ـ عباس بن عبدالمطلب.۶ ـ عقیل بن ابی طالب.۷ ـ طالب بن ابی طالب.۸ ـ نوفل بن الحارث بن عبدالمطلب.۹ ـ نوفل بن الحارث بن عبدالمطّلب.۱۰ ـ حارث بن نوفل بن حارث بن عبدالمطّلب.او با پیامبر ـ ص ـ خوب نبود و گاهی نیز رسول خدا ـ ص ـ را در اشعارش هجو می کرد، لیکن راضی به قتل آن حضرت نبود. [۷۲] .۱۱ ـ خدیجه بنت خویلد. [۷۳] .و... [۷۴] .اکثر قریب به اتفاق مورّخان و سیره نویسان مکانی که نبی اکرم ـ ص ـ و همراهانشان توسط افراد قریش محاصره گردیدند را شِعْبِ ابی طالب ذکر کرده اند که به برخی از آنها ذیلاً اشاره می شود:بنی هاشم و فرزندان مطلب بدنبال فشار قریش نزد ابوطالب رفته و ـ جز ابولهب ـ همگان به درّه ای که منسوب به ابوطالب و به شِعْبِ ابی طالب شهرت یافته بود، درآمدند. [۷۵] .طبری می نویسد: از پی پیمان قریشیان، بنی هاشم و بنی المطلب به شِعْبِ ابوطالب رفتند و با وی فراهم شدند ـ به جز ابولهب که به قریش پیوست ـ و با آنها بر ضد مسلمانان هم سخن شد. [۷۶] .رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی (م ۶۲۳ هـ ق) می نویسد: بنی هاشم و بنی مطلب چون دیدند که قریش در عداوتِ ایشان چندان مُظاهَرَت و مُبالغت بنموده اند و چنان عهدنامه بنوشتند، ایشان نیز برخاستند و به جمعیت بَرِ ابوطالب آمدند و پیش وی بنشستند و با هم عَهد کردند و اتفاق بنمودند که نُصْرت و مُعاونت سیّد ـ علیه السلام ـ دهند و حَصْمی قریش کنند و در جمله احوال آنچه بطریق تعصّب و حمایت بود پیغمبر ـ علیه السلام ـ را نگاه دارند. [۷۷] .پس هاشمیان جز ابی لهب و مطلبیان همگی به ابی طالب پیوسته و در شِعْبِ او بر وی داخل شدند و دو یا سه سال آنجا ماندند. [۷۸] .در بحارالانوار به نقل از خرایج آمده است: قریش با یکدیگر متحد شده و بنی هاشم را به شِعْبِ ابی طالب راندند. [۷۹] .ابن قیم جوزی می نویسد: رسول خدا ـ ص ـ و همراهانشان در شب اوّل ماه محرم سال هفتم بعثت در شِعْبِ ابی طالب زندانی شدند... و در همین مکان ابوطالب قصیده معروف لامیّه را سروده است. [۸۰] .علامه امینی ـ قدس سره ـ می نویسد: بنوهاشم و بنوالمطلب به سوی ابی طالب آمده و همراه با او در شِعْبِ داخل شدند. [۸۱] .ابوبکر احمد بن حسین بیهقی می نوسد: چون ابوطالب نیت ایشان را فهمید فرزندان عبدالمطلب را گردآورد و دستور داد که پیامبر را در محله خود نگهداری کنند. [۸۲] محمد بن عمر بن واقد گوید: بنی هاشم شب اول محرم سال هفتم بعثت رسول خدا ـ ص ـ وارد درّه ابوطالب شد بنی مطلب هم همراه بنی هاشم در همان دره گرد آمدند. [۸۳] .ابن اسحاق می نویسد: بنوهاشم و بنومطلب به ابی طالب پناه آورده و در شِعْبِ او (یعنی ابی طالب) اجتماع کردند. [۸۴] .مرحوم آیتی می نویسد:... چون کار قریش به انجام رسید، «بنی هاشم» و «بنی مطّلب بن عبد مناف» به «ابوطالب» پیوستند و همگی ـ جز «ابولهب ابن عبدالمُطَّلب» که با قریش همکاری داشت ـ همراه وی در «شِعْبِ ابی طالب» درآمدند. [۸۵] .یاقوت گفته است: شِعْبِ ابی یوسف همان شعبی است که رسول خدا ـ ص ـ و بنی هاشم هنگامی که قریشیان علیه آنان هم قسم شدند بدانجا پناه آوردند این شِعْبِ از آن عبدالمطلب بوده، سپس به خاطر ضعف بیناییش آن را میان فرزندانش تقسیم نمود و رسول خدا ـ ص ـ سهم پدر خویش را گرفت. منازل و محل سکونت بنی هاشم نیز در آن قرار داشته است.مؤلف کتاب معجم الحجاز پس از نقل این مطلب می نویسد: این شِعْبِ سپس به شِعْبِ ابی طالب معروف گردیده و آن را شِعْبِ بنی هاشم نیز نامیده اند و هم اکنون به شِعْبِ علی شناخته می شود. این شِعْبِ در دهانه شمالی کوه ابوقبیس و بین این کوه و خندمه قرار دارد. ولادت رسول خدا ـ ص ـ در همین مکان بوده و حدود سیصد متر با مسجدالحرام فاصله دارد. اینک تبدیل به کتابخانه شده، و سپس در سال ۱۳۹۹ هجری قمری در طرح توسعه خیابان غزّه از بین رفته است. [۸۶] رفاعه رافع الطهطاوی نیز شِعْبِ ابی طالب را جایگاه محاصره شدگان دانسته، می گوید: هاشمیان همه به ابی طالب در شِعْبِ او پناه آوردند. [۸۷] .ابراهیم رفعت پاشا می نویسد: در طرف شرق منطقه قشاشیه، شِعْبِ علی یا شِعْبِ بنی هاشم قرار دارد... خانه خدیجه بنت خویلد یا محل ولادت فاطمه ـ ع ـ دختر رسول اکرم ـ ص ـ نیز آنجاست. [۸۸]

کوه ابوقبیس

یکی از مشهورترین کوههای مکه، کوه ابوقبیس است. شِعْبِ علی یا شِعْبِ ابی طالب از این کوه آغاز و تا خندمه ادامه می یابد. می گویند: هنگامی که سیلاب مسجدالحرام را فراگرفت، حجرالاسود را در این کوه نهادند تا سالم بماند. جای آن در شِعْبِ علی، همانجایی بود که زادگاه رسول خدا ـ ص ـ است.برخی از شعاب مکّههمانگونه که قبلاً نیز اشاره شد در شمال شرقی مسجدالحرام سه شِعْبِ وجود دارد که اسامی آنها عبارت است از:۱ ـ شِعْبِ علی یا شِعْبِ ابی طالب که امروز آن را قشاشیه نیز می نامند.۲ ـ شِعْبِ بنی هاشم که به آن غزّه نیز می گویند.۳ ـ شِعْبِ بنی عامر.در این سه منطقه از زمان جاهلی به این طرف اجداد و نیاکان پیامبر ـ ص ـ و سپس فرزندان عبدالمطلب و ابی طالب و بنی هاشم می زیسته اند. [۸۹] .بخشی از خانه های نزدیک به شِعْبِ علی، و حتی قسمتی از خانه ابن یوسف متعلق به ابوطالب بوده است.قسمتی دیگر از خانه ابن یوسف که محل تولد پیامبر ـ ص ـ است و اطراف آن متعلق به عبدالله پدر پیامبر ـ ص ـ بوده است.بخش دیگری که خانه خالصه کنیز آزاد کرده خیزران است متعلق به عباس بوده است.بخشی که خانه طلوب کنیز آزاد کرده زبیده در آن قرار دارد متعلق به مقوم پسر عبدالمطلب بوده است. [۹۰] .ازرقی می نویسد: برخی از مردم مکه نیز می گویند دره ای که به آن دره ابن یوسف می گویند همه اش متعلق به هاشم بن عبدمناف بوده است. همانان می گویند: عبدالمطلب در زندگی خود همین که نور چشمش کم شد (نابینا گردید) سهم خود را میان پسرانش تقسیم کرد و به این جهت سهم عبدالله به پیامبر ـ ص ـ رسید. خانه ای که میان صفا و مروه است... و کنار خانه ای است که در دست جعفر بن سلیمان است. نیز متعلق به عباس بوده است. ستون و نشانه رنگینی که هر کس از مروه به صفا می آید از کنار آن سعی می کند، کنار خانه عباس است. برخی هم پنداشته اند که این خانه از آنِ هاشم بن عبد مناف بوده است. [۹۱] .خانه ام هانی دختر ابوطالب نیز در کنار در گندم فروش ها و کنار مناره است، که در توسعه دوم مهدی عباسی ـ در سال ۱۶۷ هجری ـ ضمیمه مسجدالحرام شده است. [۹۲] .عقیل بن ابی طالب خانه ای را که پیامبر در آن متولد شد، گرفت و تصرف کرد و معتب بن ابی لهب که نزدیک ترین همسایه پیامبر ـ ص ـ بود خانه خدیجه را تصرف کرد و بعدها به صدهزار درهم به معاویه فروخت. [۹۳] .عباس بن عبدالمطلب نیز خانه ای بین صفا و مروه داشته است. [۹۴] .فاصله خانه عباس بن عبدالمطلب تا مسجدالحرام کمی بیشتر از ۳۶ ذرع بوده است. [۹۵] .عبدالمطلب نیز نزدیک چاه زمزم خانه داشته است، شِعْبِ و خانه ابن یوسف نیز از آنِ ابی طالب بوده است. [۹۶] .احمد سباعی می نویسد: در سوق اللیل خانه ای است که «مال الله» نامیده می شود و در آن به مریض ها کمک کرده به آنها غذا می دهند، نزدیک این خانه شِعْبِ ابن یوسف قرار دارد که اینک شِعْبِ علی نامیده می شود و در آن خانه های عبدالمطلب بن هاشم و ابی طالب و عباس ابن عبدالمطلب قرار دارد. [۹۷] .خانه خدیجه بنت خویلد مادر مؤمنان در مکه در کوچه معروف به کوچه «حجر» که به آن «زقاق العطارین» (کوچه عطاران) نیز می گویند قرار دارد. فاطمه ـ س ـ در همین خانه متولد شده، از این رو به مولد فاطمه ـ س ـ نیز معروف است.ونیز آمده است: حضرت خدیجه ـ س ـ در همان خانه وفات یافت و رسول خدا ـ ص ـ تا زمان هجرت در آن سکونت داشت، سپس عقیل ابن ابی طالب آن را گرفت و...آنگاه در این مکان مسجدی ساختند که فضای سرپوشیده (رواق) هست که در آن هفت طاق وجود دارد که روی هشت ستون قرار گرفته است.و در میانه دیواری که سوی قبله قرار گرفته سه محراب است که در دو طرف آن ۲۶ سلسله (زنجیره) قرار دارد. در مقابل آن نیز چهار طاق بر ۵ ستون هست که بین این دو رواق صحنی واقع شده و رواق دوم از رواق قبلی کوچکتر است ;زیرا در نزدیکی آن برخی از مکانهایی است که مردم برای زیارت آن خانه، به آنجا می آیند و آن سه مکان عبارتند از:۱ ـ مکانی که گفته می شود محلّ ولادت حضرت فاطمه ـ س ـ است.۲ ـ مکانی که به آن «قبهٔ الوحی» گفته می شود و چسبیده به مکان ولادت حضرت فاطمه ـ س ـ است.۳ ـ مکانی که به آن «مختبی» گویند که کنار قبهٔ الوحی است]و آن جایی است که رسول خدا ـ ص ـ مخفیانه مردم را به اسلام دعوت می نمود[برخی نیز گفته اند برای مصون ماندن از سنگ پرانی مشرکان، پیامبر ـ ص ـ در آنجا مخفی می شد... [۹۸] .کوتاه سخن آنکه:ـ علاوه بر آنچه گذشت ـ در نقشه های

موجود در حجاز (قدیم و جدید) دقیقاً محل شِعْبِ علی و شِعْبِ بنی هاشم، و شِعْبِ بنی عامر، در نزدیکی مسجدالحرام مشخص گردیده و هیچکس قبرستان ابی طالب که در شِعْبِ ابی دُبّ واقع شده را، شِعْبِ ابی طالب نام ننهاده است. بنابراین وجود شِعْبِ در آن مکان با آن همه دلائل و قرائن و شواهد روشن، کاملاً ـ قابل توجیه است. زیرا اولاً آن منطقه محل سکونت این خاندان بوده است. ثانیاً امکان زیستن و استفاده از ذخائر غذایی و امکانات موجود در خانه ها وجود داشته است و گرنه چگونه ممکن است در یک منطقه خشک پر از سنگلاخ و بدون سایبان آنهم در آفتاب سوزان مکه، مدت سه سال دوام آورد و زنده ماند؟!.ثالثاً: منطقه ای که هم اینک قبرستان ابی طالب نامیده می شود در دوره جاهلی نیز قبرستان بوده، و نمی توان گفت رسول خدا ـ ص ـ به همراه ابی طالب و تعدادی زن و کودک، تمامی مناطق موجود در مکه را رها ساخته، به قبرستان پناه آورند!رابعاً: حجون ـ همانگونه که گذشت ـ خارج از مکّه بوده و این با نقلهایی که می گوید: صدای ضجّه و شیون کودکان از بیرون شِعْبِ شنیده می شد، سازگاری ندارد.خامساً: در پاره ای نقل ها آمده است که گاهی شرایط به اندازه ای سخت می شد که محاصره شدگان بناچار از گیاهان و برگ درختان برای رفع گرسنگی استفاده می کردند. [۹۹] .در حالی که در قبرستان آن روز آنهم خارج از مکه گیاه و درختی وجود نداشته، تا محاصره شدگان از آن استفاده نمایند.سادساً: براساس آنچه ازرقی نقل کرده، معلوم می شود حتی تا سال دهم هجرت (حَجّةُ الوداع) هنوز در منطقه حَجون کسی سکونت نداشته، و این منطقه تا چند قرن، خارج از شهر مکه بوده است.سابعاً: این قسمت از مکّه، اساساً منطقه مسکونی نبوده، و خانه و کاشانه ای در آن وجود نداشته، به شکلی که پس از چند سال رسول خدا ـ ص ـ برای توقف چند روزه در آن، از خیمه استفاده فرمودند.ابوالولید می گوید: پیامبر ـ ص ـ پس از هجرت به مدینه، دیگر وارد خانه های مکه نشدند و در سفرهای مکه هرگاه طواف ایشان تمام می شد به منطقه بالای مکه می رفتند و آنجا خیمه هایی برای ایشان زده می شد.عطاء نیز می گوید: آن حضرت در سفر حجة الوداع پیش از رفتن به عرفات و قبل از حرکت از مکه همچنان در منطقه بالای مکه بودند.وی سپس می افزاید که: روز فتح مکه به پیامبر ـ ص ـ گفته شد آیا در منزل خودتان در مکه فرود نمی آیید؟ فرمودند مگر عقیل برای ما خانه ای باقی گذاشته است، به پیامبر ـ ص ـ گفته شد: در خانه ای دیگر غیر از خانه خودتان منزل کنید، نپذیرفته و فرمودند: در خانه ها منزل نمی کنم و در همان بالای مکه در حجون داخل خیمه ای بودند و از آنجا به مسجدالحرام می آمدند، همچنین سعید بن محمد بن جبیر بن مطعم از قول پدربزرگش نقل می کند که گفته است پیامبر ـ ص ـ را در فتح مکه دیدم که در حجون داخل خیمه ای زندگی می کردند و برای هر نماز به مسجد می آمدند. [۱۰۰] .از آنچه گذشت به خوبی روشن می شود که شعب ابی طالب در مکانی غیر از قبرستان ابوطالب قرار داشته، و چنین اشتباهی از چه زمان و براساس چه دلیل و مدرکی رخ داده، معلوم نیست.تنها کسی که احتمال داده شِعْبِ ابی طالب در منطقه حجون قرار گرفته، حلبی است وی پس از بیان محل ولادت رسول خدا ـ ص ـ می گوید:آنچه در پیش آمده منافاتی با اینکه شِعْبِ ابی طالب که خود از بنی هاشم بوده، در کنار حجون قرار داشته، ندارد ؛زیرا امکان دارد ابی طالب به تنهایی در این شِعْبِ زندگی می کرده است. والله اعلم [۱۰۱] .لیکن دلیلی بر صحّت این نقل وجود نداشته، و شاید از کلمه «والله اعلم» حلبی بتوان فهمید که وی نیز به صحت آن اطمینان نداشته است.بنابراین سیر طبیعی جریان، بدین شکل بوده که وقتی ابی طالب، بنی هاشم و بنوالمطلب از سوی دشمن در معرض خطر جدّی قرار می گیرند برای ایجاد یک دژ محکم و جبهه قوی در برابر آنان، همگی اطراف ابی طالب که چهره ای سرشناس و انسانی نیرومند بوده گرد آمده و در یک مکان به نام شِعْبِ ابی طالب اجتماع کنند و با ایجاد پست های نگهبانی و استفاده از تاکتیکهای مختلف به دفاع از خویش و شخص رسول اکرم ـ ص ـ بپردازند. و آنگاه که محاصره خاتمه یافت بنی هاشم و بنومطلب از شِعْبِ خارج و به خانه های خویش رفته و دیگر به شِعْبِ ابی طالب مراجعت ننمودند. متون تاریخی مؤید این معناست و این نکته ای است که برخی به آن توجه نداشته اند.

پاورقی

[۱] فقه العبادات (الحج)، ص ۲۰۵.

[۲] ترجمه اخبار مکه ازرقی، ص ۵۲۰، تهران ۱۳۶۸.

[۳] همان، ص ۴۷۰.

[۴] ابودب کنیه مردی از بنی سواءه بن عامِر است که چون ساکن آن دره بوده بنام او مشهور شده است. ازرقی ص ۴۷۱، معجم معالم الحجاز، ص ۵۶.

[۵] ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۲۷۰، چاپ مصر ـ دارالمعارف ـ قاهره.

[۶] جوهری / صحاح، ج ۱، ص ۱۵۶، بیروت، ۱۴۰۴ هـ ق.

[۷] طریحی / مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵۱۳، تهران ـ ۱۴۰۸ هـ ق.

[۸] دکتر معین / فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۰۴۷، تهران ۱۳۶۰ هـ ش.

[۹] محلّ این سه شعب در نقشه پیوست، دقیقاً ترسیم شده است. [

[۱۰] طریحی / مجمع البحرین ج ۲ ص ۵۱۳.

[۱۱] معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۴۷.

[۱۲] مجلسی / مرآة العقول، ج ۵، ۱۷۴ دارالکتب الاسلامیه ـ تهران ۱۳۶۳ هـ ش.

[۱۳] خیزران دختر عطاء زن مهدی عباسی و مادر هادی و رشید است. وی در سال ۱۷۲ یا ۱۷۳ هـ در زمان خلافت فرزندش هارون الرشید وفات یافت. شذرات الذهب ۱/۲۸۰، اعلام النساء للکحاله /۳۹۵ ـ ۴۰۱.

[۱۴] ترجمه تاریخ ازرقی، ص ۴۶۱.

[۱۵] ترجمه تاریخ ازرقی، ص ۴۶۱.

[۱۶] اخبار مکه، فاکهی، ص ۲۶۴، مکة المکرمه ۱۴۰۷ هـ ق.

[۱۷] همان.

[۱۸] همان.

[۱۹] همان، ص ۲۶۶.

[۲۰] همان، ص ۲۶۷.

[۲۱] کافی، ج ۱، ص ۴۳۹. بیروت ۱۴۰۱ هـ ق.

[۲۲] کافی، ج ۱، ص ۴۴۰.

[۲۳] اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۹. دارالتعارف، بیروت.

[۲۴] الوافی بالوفیات، ۵:۲۴۲.

[۲۵] عقدالثمین، ج ۱، ص ۲۱۹. بیروت ۱۴۰۶ هـ ق.

[۲۶] عقدالثمین، ج ۱، ص ۲۲۰.

[۲۷] السیرة الحلبیة، ج ۱، ص ۶۲، داراحیاء التراث العربی، بیروت.

[۲۸] همان، ص ۶۶.

[۲۹] همان.

[۳۰] همان.

[۳۱] همان.

[۳۲] همان.

[۳۳] مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۷۴، بیروت ۱۳۸۵ هـ ق.

[۳۴] همان مدرک، ص ۲۸۷.

[۳۵] کامل ابن اثیر، ج ۱، ص ۲۹۴، بیروت ۱۴۰۸ هـ ق.

[۳۶] تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۲۵، دارالفکر، بیروت.

[۳۷] شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۶۹، دارالکتب العلمیه بیروت.

[۳۸] التاریخ القویم، ص ۶۳.

[۳۹] التاریخ القویم، جزء اول، ص ۶۷.

[۴۰] سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۱۶۷، مصر ۱۳۷۵ هـ ق.

[۴۱] سیرهٔ ساکن الحجاز، سید رفاعه رافع الطهطاوی، چاپ مکتبهٔ الآداب مصر، ج ۱، ص ۶.

[۴۲] التاریخ القویم لمکه و بیت الله الکریم، ص ۶۷، مکه مکرمه، ۱۳۸۵ هـ ق.

[۴۳] الوافی بالوفیات، ۵:۲۴۲، چاپ بیروت.

[۴۴] اتحاف الوری باخبار امّ القری، ص ۴۸، جزء اوّل.

[۴۵] فضائل مکه، ص ۲۳۲. دار مکه ۱۴۱۰ هـ ق.

[۴۶] السیرهٔ الحلبیهٔ، ج ۱، ص ۵۷.

[۴۷] فی رحاب بیت الله الحرام، ص ۲۶۲.

[۴۸] همان.

[۴۹] همان، ص ۲۶۳.

[۵۰] همان.

[۵۱] سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۷۵. سیرهٔ الحلبیه، ج ۱، ص ۳۶۶.

[۵۲] اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۳۵.

[۵۳] بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۱۸. بیروت ۱۴۰۳ هـ ق.

[۵۴] اتحاف الوری باخبار ام القری، ص ۲۸۴.

[۵۵] التاریخ القویم مکهٔ و بیت الله الکریم، جزء اول، ص ۹۵.

[۵۶] بحار، ج ۱۹، ص ۱. چاپ بیروت.

[۵۷] طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۲۰۹. دارصادر. بیروت.

[۵۸] کامل، ج ۱، ص ۵۰۵. چاپ بیروت.

[۵۹] الصحیح من سیرهٔ النبی، ج ۲، ص ۱۰۹. قم ۱۴۰۰ هـ ق.

[۶۰] اعلام الوری، ص ۵۹. چاپ بیروت

[۶۱] همان، ص ۶۰.

[۶۲] همان.

[۶۳] همان.

[۶۴] همان، ص ۶۱.

[۶۵] الصحیح من سیرة النبی، ج ۲، ص ۱۱۱.

[۶۶] تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۸۹. چاپ بیروت.

[۶۷] تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲۸. ترجمه نهایة الارب، ج ۱، ص ۲۴۹. تـهران ۱۳۶۴ هـ ش.

[۶۸] اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۹، چاپ بیروت. وافی، ج ۳، ص ۷۰۰.

[۶۹] نهایة الارب، ج ۱، ص ۲۴۸.

[۷۰] دلائل النبوه، ج ۲، ص ۶۸، تهران ۱۳۶۱ هـ ق.

[۷۱] التاریخ القویم، ص ۹۵.

[۷۲] ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۶۵. داراحیاء الکتب العربیه ۱۳۷۸ هـ ق.

[۷۳] ابن ابی الحدید، ج ۱۴، ص ۵۹.

[۷۴] ابن ابی الحدید ماجرای شِعْبِ را در ج ۱۴، ص ۵۸ به تفصیل بیان کرده است.

[۷۵] سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۵۲.

[۷۶] تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲۵.

[۷۷] سیرة رسول الله، ج ۱، ص ۳۴۱.

[۷۸] عقدالثمین، ج ۱، ص ۲۳۰.

[۷۹] بحار، ج ۱۹، ص ۱۶. چاپ بیروت.

[۸۰] زادالمعاد، ج ۲، ص ۴۶.

[۸۱] الغدیر، ج ۷، ص ۳۶۳. تهران ۱۳۶۶ هـ ش.

[۸۲] دلائل النبوه، ج ۲، ص ۶۵.

[۸۳] طبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۰۹.

[۸۴] سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۷۶.

[۸۵] تاریخ پیامبر اسلام، مرحوم آیتی، ص ۱۵۴. تهران ۱۳۶۶.

[۸۶] معجم معالم الحجاز، ص ۵۷. دار مکّه.

[۸۷] سیرة ساکن الحجاز، ج ۱، ص ۱۱۵.

[۸۸] مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۱۸۰، ۱۸۱. دارالمعرفه ـ بیروت.

[۸۹] مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۱۸۱.

[۹۰] ترجمه اخبار مکه ازرقی، ص ۴۸۷.

[۹۱] ترجمه تاریخ مکه ازرقی، ص ۴۸۸.

[۹۲] همان مدرک.

[۹۳] ترجمه تاریخ مکه ارزقی، ص ۴۹۸.

[۹۴] اخبار مکه فاکهی، ج ۳، ص ۲۷.

[۹۵] اخبار مکه فاکهی، ج ۳، ص ۳۷۱.

[۹۶] اخبار مکه فاکهی، ج ۳، ص ۲۶۳.

[۹۷] تاریخ مکه، احمد سباعی، ص ۳۱. مکة المکرمه ۱۴۰۴ هـ ق.

[۹۸] شفاءالغرام، ج ۱، ص ۲۷۲ ـ ۲۷۳. چاپ بیروت.

[۹۹] الغدیر، ج ۷، ص ۳۶۳.]

[۱۰۰] ترجمه اخبار مکه ازرقی، ص ۴۳۰.

[۱۰۱] السیرة الحلبیه، ج ۱، ص ۶۳. چاپ بیروت.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹